

یادداشت‌های یک مترجم

اسماعیل حدّادیان مقدّم

www.translatornotes.blogspot.com

این یادداشت‌ها، همان‌طور که از اسم آنها برمی‌آید، تنها یادداشت هستند و نه بیشتر. راستش گاهی ضمن مطالعه و گشت‌وگذار در دنیای ترجمه به موضوعاتی بر می‌خورم که دیگر حالت خبری خود را از دست داده‌اند و چندان مناسب‌بخش "اخبار ترجمه" نیستند. نوشتن این مطالب را ابتدا در وب‌لاگ "یادداشت‌های مترجم" شروع کردم و هدفم بیشتر نوشتن مطالبی خواندنی درباره‌ی ترجمه بود. اینک به درخواست سردبیر مترجم، در هر شماره گزیده‌ای از این یادداشت‌ها منتشر می‌شود. امیدوارم خواندن این یادداشت‌ها و نیز خواندن بخش "از گوشه و کنار" رازنگ تفریح مترجم بدانید.

● روز بین‌المللی ترجمه و حدیث تکراری

یک: باز سی‌ام سپتامبر (۸ مهر) از راه رسید و این یعنی اینکه باز باید مترجمان و ترجمه را به یاد بیاوریم و البته افسوس از اینکه چرا ما باید از برگزاری جشنی برای این روز محروم باشیم.

برای اولین بار در شماره‌ی چهارم مترجم (زمستان ۷۰) پیام فدراسیون بین‌المللی مترجمان به وزیرای فرهنگ کشورهای سراسر جهان منتشر شد. گمان نمی‌کنم قبل از آن خبری از فدراسیون در جایی در کشور منتشر شده باشد. در این پیام دبیر کل وقت فدراسیون خواستار آن شده بود تا بررسی دقیقی از موقعیت کنونی ترجمه در هر کشور صورت گیرد. لزوم تشکیل انجمن‌های مترجمان حرفه‌ای نیز از نکات دیگری بود که خاطر نشان شده بود. نکته‌ی دیگر بررسی نحوه‌ی اجرای توصیه یونسکو در مورد حمایت قانونی از مترجمان و حرفه ترجمه و فراهم آوردن ابزار عملی برای اعتلا بخشیدن به جایگاه مترجمان بود. نکته‌ی آخری هم این بود که آموزش و پرورش مترجمان باید در دو سطح ملی (با انجام اقدامات لازم در هر کشور) و دیگر در سطح بین‌المللی صورت گیرد.

بلی از آن زمان تاکنون یازده سال گذشته است و ما همچنان سرمان بی‌کلاه مانده است. اصلاً چه کسی به این حرفها توجه می‌کند؟ مترجمان نامدار ما آنقدر سرشان شلوغ است که به ندرت آثار سایر دوستان مترجم خود را می‌خوانند و از اوضاع و احوال هم بی‌اطلاع‌اند و لذا وقتی برای تشکیل انجمن مترجمان حرفه‌ای و در پی آن پیوستن به فدراسیون بین‌المللی مترجمان ندارند. البته حق هم دارند، چراکه باید تمام وقت خود را به ترجمه اختصاص دهند تا مبادا چرخ زندگی شان لنگ بماند.

دو: این بود تا سال ۷۷ که من گفتگویی با دکتر علی خزاعی فر به مناسبت روز بین‌المللی ترجمه انجام دادم که ابتدا در روزنامه قدس (۹ مهر ۱۳۷۷) و بعد در شماره ۲۷ مترجم چاپ شد. در این گفتگو (که البته

همین گفتگو نیز آغازی برای همکاری مستمر من با مترجم شد) از دکتر خزاعی فر پرسیدم که چرا کشور ما انجمن مترجمان حرفه‌ای وجود ندارد و چه موانعی در سر راه تشکیل آن قرار دارد. پاسخ به‌طی خلاصه این بود:

اولاً انجمن نیاز به حمایت دولت دارد بی آنکه دولتی باشد. ثانیاً انجمن به دستور کاری نیاز دارد که موجب آن به تشکیلاتی سیاسی بدل نشود. خزاعی فر در ادامه افزود که جمع کردن عده‌ای از اهل قلم در انجمنی که نه داعیه سیاسی داشته باشد و نه بتوان انگ سیاسی به آن زد کار ساده‌ای نیست.

سه: خوب می‌بینید که ظاهراً کار از آن چیزی که گمان می‌کردیم سخت‌تر است. تجربه نه‌چندان موفق تشکیل کانون نویسندگان ایران و حوادثی که بر آن گذشت و نیز حوادث مشابهی که بر اهل قلم این دیار رفته است تا حدی باعث شده که بیم از سیاسی کاری و از همه بدتر، انگ سیاسی خوردن، ترس پنهانی را در دل مترجمان ما بیندازد. از طرفی شاید مترجمان ما چشم می‌کشند تا کسی پا پیش بگذارد و کار ستانی کند تا بقیه مترجمان ما را از خواب بیدار کند.

چهار: اما بگذریم، آنچه بر شمر دم باعث نشده که در سالهای اخیر حرف و ذکر هم از روز بین‌المللی ترجمه در کار نباشد. من خود تا زمانی که همکاری قلمی با روزنامه قدس داشتم هر سال در این روز مطالب ویژه‌ای منتشر کردم. حتی در سالی که نخستین همایش ترجمه ادبی در ایران و در مشهد برگزار می‌شد به سراغ دکتر پیترو بوش، رئیس مرکز ترجمه ادبی بریتانیا رفتم و در ضمن گفتگو با وی درباره‌ی ترجمه ادبی موضوع تشکیل انجمن مترجمان را پیش کشیدم. دکتر پیترو بوش در جواب گفت: چنین انجمنی نمی‌تواند سیاسی باشد. در واقع کار آن دفاع از حقوق مترجمان و کسب اطمینان از وجود شرایط حرفه‌ای برای کار مترجمان است... البته برای این کار به نیاز به فردی دارید که به سازماندهی بپردازد (قدس ۱۴ و ۱۳ اسفند ۱۳۷۸). در فصلنامه مترجم نیز در هر سال، البته از شماره ۳۲، متن و یا خلاصه‌ای از پیام فدراسیون بین‌المللی ترجمه را منتشر کرده‌ایم و همه‌ی اینها برای آن بوده که یاد این روز زنده بماند و در چنین روزی احساس غربت نکنیم. بضاعت ما همین بوده است. شاید کسی یا کسانی پیدا شوند که بتوانند نوری به راه مترجمان بتابانند.

پنج: از همه چیز گفتم الا از پیام امسال فدراسیون. فدراسیون بین‌المللی مترجمان سال جاری را سالی برای توجّه به نقش مترجمان در تغییرات اجتماعی عنوان کرده و از همه‌ی مجامع مترجمان حرفه‌ای خواسته است تا ضمن توجّه به نقش مترجمان در مقام نمایندگان تغییرات اجتماعی این روز را پاس دارند. بخشی از این پیام را در بخش "از گوشه و کنار" منتشر کرده‌ایم.

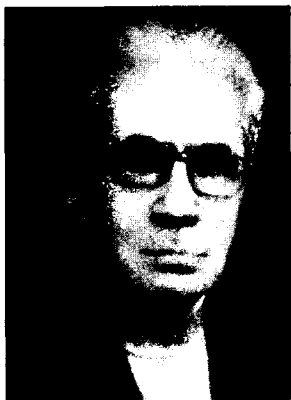
شش: اما تکلیف ما که نه در این فدراسیون عضو هستیم و نه شکر خدا! انجمنی حرفه‌ای برای مترجمان نداریم چیست؟ واقعاً نمی‌دانم چه پاسخی مناسب این پرسش است و آیا اصولاً می‌توانیم با عنایت به وجود مترجمان برجسته و ترجمه‌شناسان خیره‌پاسخی برای این پرسش پیدا کنیم یا خیر. گمان می‌کنم در دنیای رو به رشد امروز که همه چیز به سوی جهانی شدن پیش می‌رود، نقش مترجمان را نمی‌توان نادیده گرفت. بی‌توجهی به تشکیل مجامع حرفه‌ای جز ضرر در دراز مدت چیز دیگری

نخواهد داشت. اگر چند وقت دیگر به سازمان تجارت جهانی پیوستیم و کپی‌رایت را بپذیرفتیم آیا با داشتن انجمنی حرفه‌ای از مترجمان بهتر نخواهیم توانست از حقوقمان دفاع کنیم؟ امید آنکه دستی پیش آید و حرکتی انجام پذیرد. روز جهانی ترجمه بر همه‌ی مترجمان ایران مبارک باد.

● Motarjemreaders: آغاز حرکتی نو در عرصه‌ی ترجمه

همان‌طور که در شماره‌ی قبل مترجم نوشتم، "گروه اینترنتی خوانندگان مترجم" با هدف فراهم آوردن زمینه‌ای برای تماس بهتر خوانندگان مترجم با یکدیگر و ایجاد بستری برای بحث و تبادل نظر درباره‌ی ترجمه راه‌اندازی شد. این روزها که سرعت برقراری ارتباطات در مقایسه با گذشته بیشتر شده، لزوم راه‌اندازی چنین گروهی از پیش احساس می‌شد. Motarjemreaders اگرچه در اوایل فعالیتش کند بود، پس از مدتی به سطح قابل قبولی از فعالیت رسید و حضور چند عضو فعال (از جمله خواننده قدیمی مان آقای فرشید عطایی و دوست عزیز مان tarfarzan) به رونق آن افزود. ما از همه‌ی عزیزانی که به این جمع کوچک پیوسته‌اند، تشکر می‌کنیم و از سایر خوانندگان و به‌خصوص مترجمان دعوت به همکاری می‌نماییم. آنچه باعث می‌شود تا این گروه پویا بماند آن است که اعضا نسبت به پیامهای رسیده به گروه واکنش نشان داده، نظرات خود را ابراز دارند. در ضمن دوستانی که از سیستم عامل ویندوز ۹۸ با امکانات فارسی و یا از ویندوز XP استفاده می‌کنند می‌توانند به زبان فارسی پیامهای خود را ارسال دارند و پیامهای فارسی دیگر اعضاء را هم بخوانند. البته باید ابتدا تنظیمات مربوطه را انجام دهید.

● فقدان مترجمان ارزنده و چگونگی استفاده از تجربیات آنها



هنوز مدتی زمان زیادی از گفتگوی مترجم (۳۲) با دکتر مصطفی رحیمی نمی‌گذرد و اینک او دیگر در میان ما نیست. این اتفاق برای جلال خسروشاهی، دیگر مترجم برجسته کشورمان نیز روی داد. از دست دادن مترجمانی ارزنده چون دکتر رحیمی و خسروشاهی و دیگر مترجمانی که اخیراً نامشان را در بخش "از گوشه و کنار" می‌آوریم، جدا از اندوهی که دارد، پرسشی را در اذهان مطرح می‌کند و آن اینکه آیا جای چنین مترجمان ارزنده‌ای پُر خواهد شد؟ آیا ما برای انتقال تجربیات آنها به نسل نو مترجمان کاری کرده‌ایم؟ تلاش برای پاسخ دادن به این پرسش‌ها می‌تواند راهگشای آنهايي

باشد که می‌خواهند در عرصه‌ی ترجمه بخت خود را بیازمایند. شاید انتشار خاطرات مترجمان و یا انتشار ویژه‌نامه‌هایی خاص مترجمان (مانند شماره ۹ مترجم) بتواند در کوتاه مدت پاسخ مناسبی به این پرسش‌ها باشد. اما غرض از یادآوری نام دکتر رحیمی اشاره به گفتگوی منتشر نشده‌ای از او با همشهری (۸۱/۵/۱۴) بود که در بخشی از آن ایشان در پاسخ به این سؤال که "جایگاه خود را چگونه تفسیر می‌کنید؟" چنین می‌گوید: "این را باید از دیگران پرسید، ولی نکته‌ای می‌گویم که جواب سؤال شما

داده شود. شرط ترجمه خوب تنها این نیست که مترجم به زبان اصلی مسلط باشد، بلکه شرط دیگر تسلط به زبان فارسی است. این مسأله چیزی بود که من همیشه مد نظر داشته‌ام. من وقتی شروع به ترجمه کردم که فکر می‌کردم فارسی من فارسی درستی است. به طوری که ابوالحسن نجفی در همان دوره "سخن" از اثر من تمجید کرد. وقتی برایم مسلم شد که به فارسی تسلط دارم، ترجمه‌ی خود را آغاز کردم. البته امروز کمتر کسانی هستند که به این موضوع آگاه باشند و یا آگاهانه عمل کنند. به جز چند مترجم محدود، بقیه مترجمانی که در زمینه فلسفه کار می‌کنند، آثار عجیب و غریبی دارند. امیدوارم دانشجویان و علاقمندان ترجمه و نیز مترجمان از این پس بتوانند هرچه بهتر از تجربیات مترجمان پیش‌کسوت استفاده کنند.

● یکی دیگر به نفع فاکتر دوستان

کم‌کم فهرست آثار ترجمه شده ویلیام فاکتر (۱۹۸۷-۱۹۶۲) به فارسی تکمیل می‌شود. علاقمندان آثار این نویسنده می‌توانند از اینکه ترجمه‌ی فارسی یکی دیگر از آثار او را بخوانند، خوشحال باشند. نخلهای وحشی جدیدترین ترجمه‌ی فارسی است که به جمع ترجمه‌های فارسی آثار فاکتر اضافه شده است. این ترجمه را تورج یاراحمدی انجام داده، و صالح حسینی، مترجم چند اثر دیگر از همین نویسنده (خشم و هیاهو، بر خیز ای موسی، ایشالم، ایشالم، که البته این آخری علی‌رغم ترجمه خوب و خواندنی‌اش، کمتر به نقد در آمد) آن را ویراسته و انتشارات "نیلوفر" که در انتشار آثار برجسته ادبی پیشرو است، آن را منتشر کرده. بیش از این شاهد دو ترجمه دیگر از آثار فاکتر به فارسی بودیم: ناخوانده در غبار (شهریار بهترین، روزنه کار، ۱۳۷۷) و ایشالم، ایشالم (صالح حسینی، نیلوفر، ۱۳۷۸). ترجمه‌ی نخلهای وحشی روان و خواندنی است.

● In Other Words رنگ‌ورو عوض کرد

اگر حال و حوصله‌ای داشته باشید و بخواهید یک نشریه انگلیسی زبان درباره‌ی ترجمه بخوانید، بد نیست نشریه In other words را ورق بزنید. این نشریه که عنوان فرعی "فصلنامه مترجمان" را نیز یدک می‌کشد، توسط "انجمن مترجمان انگلستان" و با همکاری "مرکز ادبی انگلستان" BCLT منتشر می‌شود و اخیراً با شکل و شمایل جدیدی منتشر شده. سردبیر این نشریه هم همان دکتر پیتر بوش است که گفتگوی او را با محمد شهباز شماره ۲۸ مترجم خوانده‌اید در شماره ۱۷ (تابستان ۲۰۰۱) این نشریه که آن را هماهنگ کننده BCLT لطف کرده و برایمان فرستاده، موضوع "ترجمه‌های خطرناک" محور اصلی چند مقاله بوده، از جمله مقاله‌ای با عنوان The Translator on a knife-Edge که آن را سوزان بسنت نوشته و اتفاقاً در بخشی از مقاله‌اش به محکومیت دو مترجم ایرانی به خاطر شرکت در کنفرانس برلین اشاره کرده. جان راترفورد هم در مقاله‌ای با عنوان The Dangerous Don: Translating Cervantes's Masterpiece ضمن آنکه خبر از ترجمه انگلیسی جدید خود از "دون‌کیشوت" داده، صحبت‌های جالبی درباره‌ی ترجمه‌ی ادبی و از جمله خودش کرده است.

در بخش نقد و بررسی کتابهای ترجمه هم، هفت ترجمه نقد شده که از جمله آنها ترجمه‌ای از

یادداشت‌های یک مترجم ۱۰۷

امبر توکو به نام *Experiences in Translation* و دیگری *Faust* گوته با ترجمه Walter Arndt است. دوستانی که وسعشان می‌رسد می‌توانند با نشانی زیر مکاتبه کنند و با پرداخت ۳۰ پوند اشتراک یک ساله این نشریه مفید را تقاضا کنند و آمانشانی:

The Translators Association, 84 Drayton Gardens, London SW10 9SB

در ضمن این نشریه سالی دو بار، در ماههای ژوئن و نوامبر منتشر می‌شود.

● فرانی و زویی: بازگشت سلینجر

مدتها بود که علاقمندان آثار جی. دی. سلینجر خود را با خواندن همان ترجمه ناتوردشت او (یکی با ترجمه‌ی احمد کریمی، انتشارات مینا، ۱۳۴۵ و دیگری با ترجمه "محمد نجفی"، انتشارات نیلا، ۱۳۷۸، چ ۲) سرگرم می‌ساختند. آنها هم که انگلیسی‌شان خوب است، فرانی و زویی را به زبان انگلیسی می‌خواندند. از شما چه پنهان من خودم چاپ دوازدهم این کتاب (اکتبر ۱۹۶۲) را دارم و چند بار آن را خوانده‌ام و هر بار نکات تازه‌ای در آن یافته‌ام. احتمالاً دوستداران سلینجر موضوع اقتباس نه‌چندان موفق داریوش مهرجویی از این کتاب را در فیلم "پری" و اعتراض سلینجر را به آن به یاد دارند. خوب با این سابقه، بدیهی است که خبر ترجمه این رمان مشهور به فارسی با استقبال زیادی مواجه شود. این ترجمه را میلاد زکریا (نشر مرکز، ۱۳۸۰) انجام داده و در چند نقد و بررسی کوتاه و نه جامع و دقیق، نظر چندان مثبتی را بر نیانگیخت. شاید از همین رو بود (و شاید به‌خاطر استقبال تقریباً خوب خوانندگان از این اثر) که ترجمه دومی هم توسط امید نیک‌فرجام (نشر نیلا، ۱۳۸۱) صورت گرفت و ظاهراً این یکی با استقبال بیشتری مواجه شد. من ترجمه‌ی دوم را هنوز نه دیده‌ام و نه خوانده‌ام، اما اولی را خوانده‌ام و راستش را بخواهید احساس می‌کنم آن لذتی که در خواندن اصل کتاب وجود دارد، در ترجمه‌ی فارسی وجود ندارد- اما با این همه نباید انتخاب خوب این دو مترجم را فراموش کرد. نکته دیگری که با یادآوری نام سلینجر به ذهنم خطور می‌کند، نام محمد نجفی، مترجم ناتوردشت است که به راستی توانسته در ترجمه‌ی خود از ناتوردشت سلینجر، به آن لحن مناسب در ترجمه زبان عامیانه دست یابد. این کار با ارزش نجفی، تاکنون انعکاس چندانی پیدا نکرده. البته من نمونه‌هایی از ترجمه او را در مقایسه با ترجمه احمد کریمی در وب‌لاگ "یادداشت‌های مترجم" منتشر کرده‌ام. تا یادم نرفته این را هم بگویم که در پاییز سال ۱۳۸۰ انتشارات "نیلوفر" ترجمه‌ای دیگر از این نویسنده با عنوان بالا بلندتر از هر بلند بالایی را با ترجمه خانم شیرین تعاونی (خالقی) منتشر نمود.

● جنگ افغانستان و دستگاه ترجمه

در میان اخبار زیادی که در زمان حمله آمریکا به افغانستان روزانه در رسانه‌های گرومی جهان پخش می‌شد، یک خبر در میان این همه خبرهای داغ، گم شد و آن هم مربوط به یک دستگاه به نام *The Phraselator* بود. درست در اواخر مارس ۲۰۰۲، تعداد ۵۰۰ دستگاه از این ماشین مترجم به افغانستان ارسال شد و جالب اینکه ظاهراً جناب بیگل گیتس، یک دستگاه تقاضا کرده و آقای میخائیل

گورباچف، صدر اعظم سابق اتحاد جماهیر شوروی نیز آن را در طی برگزاری یک کنفرانس ارتباطی بیسیم آزموده است.

اما این Phraselator چیست و از کجا سر و کله‌اش پیدا شده؟ این دستگاه یک رایانه دستی است که می‌تواند بیش از ۱۰۰۰ عبارت گفتاری انگلیسی را به دیگر زبانها ترجمه کند. کنسرسیومی متشکل از چند شرکت با دریافت بودجه‌ای معادل یک میلیون دلار از آژانس پروژه‌های تحقیقاتی دفاعی پیشرفته آمریکا، این دستگاه را ساخته‌اند و آن را در اختیار نیروهای صلح‌بانی در افغانستان قرار داده‌اند تا زمینه برقراری ارتباطات آنها با سخنگویان زبان‌های عربی، اردو و پشتو را فراهم سازد.

تحلیلگران نظامی بر این باورند که این دستگاه باید به سربازان آمریکایی که فاقد مهارت‌های زبانی هستند، کمک نماید. سابقه‌ی این موضوع به زمان حضور سربازان آمریکایی در عملیات طوفان صحرا و عدم توانایی آنها در برقراری ارتباط با مجروحان و اسرا بود. جان پایک یکی از تحلیلگران نظامی در این باره می‌گوید: "این دستگاه در مقایسه با کتابهای فرهنگ عبارات، جهشی بزرگ محسوب می‌شود." برخی دیگر از این تحلیلگران بر این باورند که این دستگاه دارای محدودیت نیز می‌باشد، زیرا تنها قادر به درک زبان انگلیسی است و سایر زبانها را ترجمه نمی‌کند. امید به توسعه این سیستم مد نظر سازندگان آن می‌باشد. خوب ظاهراً جنگ افغانستان جدا از همه‌ی مسائل آن، باعث پیشرفت در ساخت دستگاه‌های ترجمه هم شده است.

● اندر حکایت ترجمه و تعرفه‌های غیر واقعی!

یک مترجم برای ترجمه خودش چه دستمزدی باید بگیرد؟ چه معیارهایی برای تعیین حداقل و حداکثر دستمزد ترجمه وجود دارد؟ آیا نرخ ترجمه نیز تابع افزایش و یا کاهش سایر نرخهاست؟ ظاهراً آنچه در ایران و در بین ناشران برای پرداخت دستمزد مترجم مرسوم است، پرداخت ۱۵-۱۰ درصد (البته به‌طور معمول) از قیمت پشت جلد کتاب در چاپ اول است. گاهی نیز مشاهده شده که برخی از مترجمان در صدهای بالاتری را برای ترجمه‌ی خود گرفته‌اند، اما آنچه بیش از همه رایج است (البته به‌استثنای مواردی که امتیاز اثر خریداری می‌شود) همان محدودده ۱۵-۱۰ درصدی است. این درصد سالهاست که تغییر چندانی نکرده، درحالی‌که اگر از بُعد اقتصادی به موضوع کتاب نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که علی‌رغم افزایش نسبی قیمت کتابها، دستمزد مترجمان افزایش نداشته است. در شماره ۴۹ کتاب هفته، یادداشتی با عنوان "ترجمه و تعرفه‌های واقعی" آمده و در آن از سه زاویه به نرخ ترجمه نگاه شده است:

۱. از دیدگاه اسلام حقوق و دستمزدها باید به گونه‌ای تعیین شوند که حداقل دریافتی یک شهروند در جامعه‌ی اسلامی به‌ازای ۶-۸ ساعت کار روزانه زندگی او را به احسن و جوه بگذرانند، او زندگی آبرومندی داشته باشد... ۲. ویژگی تعرفه واقعی آن است که با آن تعرفه بتوان کار و خدمت مطلوب را در شرایط مطلوب اجتماعی و موقعیت‌های طبیعی دریافت کرد و با کمتر از آن نتوان... ۳. از آنجاکه چیزهایی به نام سکه و اسکناس، نماینده پشتوانه خویش‌اند... و تورم به معنی کاهش حجم پشتوانه پول است... باید

حجم پرداخت‌ها متناسب با حجم توژم بالا رود... نویسنده در ادامه چنین نتیجه‌گیری می‌کند: "حال خودتان حساب کنید اگر نرخ ترجمه درجه ۱ به زبان خارجی در قبل از دوران انقلاب، مثلاً کلمه‌ای ۱۰ ریال بوده است، همین مبلغ در دورانی که نرخها ۱۰۰ برابر شده‌اند چقدر باید باشد تا تعرفه‌ای واقعی داشته باشیم. اگر به یک مترجم به زبان خارجی درجه ۱ چنین مبلغی پردازیم و او بتواند زندگی خود را به بهترین وجه با ۶-۸ ساعت کار بگذراند، نخستین پیامد آن این خواهد بود که اوقاتی را برای خود صرف خواهد کرد و به راهنمایی و آموزش مترجمان درجه ۲ یا ویرایش کار آنها خواهد گذراند. این تعرفه قابلیت آن را به ما خواهد داد که مترجم خارجی را جذب کنیم یا در کار ترجمه، بر آنها سخت بگیریم؛ آموزش را ارتقاء دهیم و شمار مترجمان حرفه‌ای و بی‌عیب و نقص را در کشور خود فزونی بخشیم." به نظر می‌رسد که این یادداشت حاوی نکات مهم و ارزنده‌ای است که می‌تواند مد نظر ناشران و نیز متولیان امور فرهنگی کشور قرار گیرد.

● پژوهشی جالب درباره‌ی ترجمه

در شماره (۱۵۰-۱۴۷) نشریه جهان کتاب خبری درباره‌ی "ترجمه در نشریات کودکان و نوجوانان" به چاپ رسید که دانستن آن خالی از لطف نیست. موضوع از این قرار است که خانم فاطمه زمانی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی برای پایان‌نامه خود موضوع "بررسی روند ترجمه در نشریات کودکان و نوجوانان ایران در طول برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی دوم متوسطه (۷۷-۱۳۷۳) را برگزیده با این هدف که با گردآوری داده‌ها، به شناخت و کشف مواد خواندنی مورد علاقه‌ی کودکان و نوجوانان پی برده شود و تلاش گردد تا زمینه‌های خالی برای مواد خواندنی مناسب برای این گروه سنی شناخته شود. جهان کتاب می‌نویسد: "بررسی حاضر حاکی از آن است که اکثر نشریات مطلب ترجمه‌ای داشته‌اند. میانگین وجود ترجمه در این نشریات ۷/۴۵ درصد است. تقدّم‌های موضوعی ترجمه به ترتیب به داستان‌های واقعی، افسانه‌ها، مطالب علمی - آموزشی، کاردستی - سرگرمی، شعر نو، شرح حال، گزارش، خاطره و قطعات ادبی تعلق داشته است. بیشترین میزان ترجمه در سال ۱۳۷۷ و کمترین میزان آن در سال ۱۳۷۴ به چشم می‌خورد." دو نکته جالب که از نتایج این پژوهش است نیز یکی اینکه "۶۰ درصد مطالب ترجمه را مترجمان مرد انجام داده‌اند" و دیگر آنکه "اکثر نشریات پایبند ذکر نام نویسندگان اصلی مطالب، نام منبع و نام کشور محل چاپ آن نبوده‌اند." نتایج این تحقیق می‌تواند برای مترجمانی که در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان کار می‌کنند، راهگشا باشد.